

کارگران هفت تپه: گام بعدی، کنترل تولید!

سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست پنجم خرداد هشتاد و هفت

متجاوز از چهار هزار کارگر و پرسنل شرکت کشت و صنعت هفت تپه، مدت هاست در حالت بلاتکلیفی بسر می‌برند. بیش از سه ماه است که هیچگونه حقوقی به کارگران پرداخت نشده است. کارگران این شرکت و اعضای خانواده آن‌ها، از نظر اقتصادی و معیشتی، به سختی تحت فشار قرار دارند و وضعیت زندگی و تنگنای معیشتی خود را، مکرر در شعار "کارگر هفت تپه ایم! گرسنه ایم گرسنه ایم!" بازتاب داده‌اند.

بهرغم اعتصابات و اجتماعات اعتراضی کارگران در طول یک سال گذشته و بهرغم اعتصابات یکپارچه اخیر کارگران که از ۱۶ اردیبهشت سال جاری آغاز شده و بیش از یکماه ادامه یافته است، اما جمهوری اسلامی و عمال آن در خوزستان، از پذیرش مطالبات کارگران سرباز می‌زنند و در عوض، تمام تلاش‌های سرکوبگرانه خود را بکار برده‌اند، تا کارگران را مرعوب و خسته و فرسوده سازند و سرانجام، کار را به آنجا بکشانند که کارگران به باز خرید اجباری و اخراج تن در دهند تا پروسه واگذاری شرکت، به بخش خصوصی را نیز تسهیل نمایند.

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، یک مؤسسه دولتی است که زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی اداره می‌شود. این شرکت که حدود نیم قرن از تأسیس آن می‌گذرد، اولین تولید کننده شکر، از نیشکر در ایران است و از چندین بخش، از جمله بخش کشاورزی، کارخانه شکر (نیشکر)، اداره تجهیزات، ترابری، خدمات و خوراک دام تشکیل شده است. ظرفیت اسمی کارخانه نیشکر هفت تپه ۱۰۰ هزار تن تولید شکر، ۳۳ هزار تن ملاس، ۳۳۰ هزار تن باگاس و ۵۵ هزار تن خوراک دام است. کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، مانند کشت و صنعت کارون، کشت و صنعت خوزستان و واحدهای هفت گانه طرح توسعه نیشکر^(۱)، شامل کارخانه شکر و برخی صنایع جانبی است. پس از تولید شکر از نیشکر، الیاف گیاهی باقی مانده برای تولید خوراک دام، کاغذ سازی و تولید امدی اف- که نوعی چوب فشرده روکش دار برای کابینت است- مورد استفاده قرار می‌گیرد. ملاس، آخرین پساب حاصل از طبخ یا کریستالیزاسیون شکر نیز، در بخش تهیه خوراک دام، صنایع تخمیری مانند تهیه الکل و خمیر مایه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، یکی از شرکتهایی است که دولت در صدد آن را به بخش خصوصی واگذار نماید و گام‌هایی نیز در این زمینه برداشته است.

از سال ۸۴ تا کنون، تعداد کارگران این شرکت از ۷۰۰۰ نفر به حدود ۴۰۰۰ نفر تقلیل پیدا کرده است و مابقی، یا بازنشست و یا باز خرید و اخراج شده‌اند. کارگران باقی مانده نیز، هیچگونه امنیت شغلی ندارند و هر لحظه در معرض اخراج و بیکاری‌اند. مسئولین دولتی، تصریح کرده‌اند که کشت و صنعت هفت تپه را تا سال ۸۹ به بخش خصوصی واگذار می‌کنند، اما قبل از آن باید با اخراج ۲۰۰۰ کارگر دیگر، "تورم" و "ازدحام نیروی انسانی" شرکت را برطرف سازند و از این طریق، آن را به مرحله سود دهی برسانند.

در راستای اجرائی کردن همین سیاست است که دستمزدهای کارگری، لااقل در سه سال اخیر، هیچگاه بموقع و بطور کامل پرداخت نشده است، و کارگران تنها به زور یک سلسله اعتصابات و اعتراض‌های مکرر خود، توانسته‌اند بخشی از طلب‌های خود را وصول نمایند.

عبدالرضا دانائی‌فر، مدیر عامل " شرکت مادر تخصصی تولید محصولات کشاورزی، دامی و صنایع طبیعی"، به خبرگزاری‌های رسمی رژیم گفته است که " شرکت مادر ... " یازده شرکت^(۲) زیر مجموعه دارد که با صددرصد سهام دولتی در شش استان قرار دارند و بعد از سودآور شدن، تا سال ۸۹ به بخش خصوصی واگذار می‌شوند. کشت و صنعت هفت‌تپه، یکی از این شرکت‌هاست که دارائی‌های آن، از جمله پنج هزار هکتار زمین و کارخانه خوراک دام، برای فروش آماده شده‌اند، سه‌هزار هکتار از زمین‌ها، بصورت اجاره به " متقاضیان" واگذار شده است و برداشت نی نیز، به پیمان کاران خصوصی واگذار می‌شود.

با فروش زمین‌های زراعی و یا اجاره دادن آنها، چه این زمینها بطور کلی از بخش کشاورزی حذف شوند و چه به کشت محصولات دیگری اختصاص یابند، در هر حال سطح زیر کشت نیشکر و تولید شکر کاهش می‌یابد. نیشکر، ماده اولیه و اصلی کارخانه شکر هفت‌تپه است. کاهش تولید نیشکر، معنایش تعطیل کارخانه شکر است و با تعطیل این کارخانه، صنایع جانبی آن مانند خوراک دام و کاغذ سازی نیز به محاق تعطیل کشیده خواهند شد.

در برابر این سیاست‌های عمیقاً ضد کارگری است که کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، مکرر دست به اعتراض زده‌اند و با سازماندهی یک سلسله اعتصابات و اجتماعات اعتراضی پرشور، قادر شده‌اند در برابر پیشبرد این سیاست‌ها ایستادگی و مقاومت نمایند.

اعتصابات و اعتراضات کارگران در طول سه‌سال گذشته، مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته است. اعتصابات کوتاه مدت سال‌های ۸۴ و ۸۵ به اعتصابات مکرر و بلند مدت در ماههای فروردین، خرداد، شهریور، مهر و اسفند سال ۸۶ و پس از آن، به اعتصاب قهرمانانه کارگران که از ۱۶ اردیبهشت سال جاری آغاز شده و بیش از یک ماه ادامه یافته است، گذر نموده و پیوسته متکامل‌تر شده است. کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه در طول سه‌سال گذشته، نه تنها از اعتصاب به‌مثابه سلاح مؤثر طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار سود جستند، بلکه در جریان مبارزات پیگیرانه و مستمر خویش علیه مدیریت کارخانه و حامیان آن، بارها از اشکال مبارزاتی دیگری مانند اجتماعات اعتراضی، ایجاد راهبندان، تظاهرات و راهپیمائی در خیابان‌ها نیز استفاده نمودند و با جلب حمایت اقشار زحمتکش شهری، خیابان‌ها را به آوردگاه کارگران و زحمتکشان از یک سو، و مزدوران حکومتی و حامیان آنها، از سوی دیگر، مبدل ساختند.

کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، در طول سه‌سال گذشته نه فقط نسبت به سیاست‌های ضدکارگری رژیم و هیأت مدیره شرکت، دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند، بلکه در جریان اعتصابات و اجتماعات اعتراضی، وحدت و انسجام خویش را نیز روز به روز مستحکم‌تر ساخته‌اند. ارتباط ارگانیک و تنگاتنگ کارگران پیشرو و سوسیالیست، با توده کارگران، بیش از پیش تعمیق یافته است. شناخت و آگاهی توده کارگران از ماهیت افراد، نیروها و نهادهای وابسته به حکومت دقیق‌تر و شعارهای کارگران نیز رادیکال‌تر شده است. پتانسیل کارگران پیشرو به منظور بسیج توده کارگران و برای سازماندهی اعتصابات یا سایر اشکال مبارزاتی، به نحو چشمگیری افزایش یافته است. فعالان کارگری و رهبران اعتصاب، با هوشیاری قابل تحسینی، تمام کوشش‌های رژیم و عوامل آن برای مرعوب ساختن کارگران و ایجاد تفرقه و

دوستگی در میان آن‌ها را خنثا ساختند. دروغ‌ها و وعده‌های توخالی مسئولین دولتی را افشا، و مذاکره در پشت درهای بسته را رد کردند. با وجود آنکه صفوف کارگران به کرات مورد یورش وحشیانه مزدوران سرکوبگر قرار گرفت و ده‌ها تن از کارگران و فعالان کارگری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و یا به دادگاه احضار شده و بازداشت شدند، اما هیچیک از این اقدامات سرکوبگرانه، تزلزلی در اراده جمعی کارگران به ادامه مبارزه ایجاد نکرد. کارگران متحداً به حمایت فعال از کارگران پیشرو و رفقای کارگر سخنگوی خود برخاستند. پایان اقدامات پلیسی و پرونده سازی برای فعالان کارگری، به یکی از خواسته‌های اصلی عموم کارگران تبدیل شد. دفاع پیگیر و حمایت جانانه کارگران از رهبران و فعالان کارگری، در عین آنکه نشان دهنده ارتقاء سطح آگاهی کارگران و تشخیص اهمیت حضور کارگران پیشرو برای ادامه مبارزه متشکل است، در عین حال تأثیرات بلاانکار مثبتی بر روحیه عموم کارگران و بالاخص کارگران پیشرو این مجتمع بر جای گذاشت.

کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، در جریان اعتصاب طولانی مدت خود، اعضای خانواده خویش را نیز در سطح نسبتاً وسیعی به میدان مبارزه و رو در روئی با دولت و مزدوران آن کشاندند. خواست تشکل کارگری و سندیکا، اگر در آغاز در سطح محدودی عنوان می‌شد، اکنون نه فقط به خواست عموم کارگران تبدیل شده است، بلکه با صدور اطلاعیه‌ای با امضای "هیأت بازگشائی سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه" این سندیکا، عملاً اعلام موجودیت کرده است. کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، به‌رغم تمام فشارها و تهدیدها و دشواریها، در برابر سیاست دولت ایستادند، استوار و یکپارچه به اعتصاب ادامه دادند و توانستند حمایت و پشتیبانی بسیاری از کارگران، تشکل‌ها، نهادها، سازمان‌ها و احزاب را در داخل و خارج کشور جلب نمایند.

این‌ها، تماماً از زمره دستاوردهای اعتصاب و مبارزه کارگران هفت تپه است. اگر که کارفرما و یا دولت در مواردی ولو جزئی، به خواست کارگران تن سپرده‌اند، در نتیجه همین اعتصابات یکپارچه و استمرار مبارزه کارگران بوده است. بدون اینها دولت مدت‌ها قبل از این، سیاست "تعدیل نیرو" را با شدت بیشتری به‌مرحله اجرا گذاشته و تکلیف این شرکت را نیز یکسره ساخته بود.

با وجود این و همانطور که تا کنون شاهد بوده‌ایم، اعتصابات کارگران هفت‌تپه برغم دستاوردهای مفید و بلاانکاری که همراه داشته است، اما از جهت متحقق ساختن مطالبات کارگران، تا کنون نتایج مطلوب را ببار نیاورده است. مطالبات کارگران بلاجواب مانده است. مدیریت شرکت و حامیان آن از پذیرش مطالبات کارگران طفره رفته‌اند و به نحو آگاهانه‌ای سعی کرده‌اند کارگران را خسته و مستأصل سازند. نه فقط حقوق کارگران به موقع پرداخت نمی‌شود، بلکه حقوق‌های عقب افتاده نیز پرداخت نمی‌شود. کارگران به دادگاه احضار و بازداشت می‌شوند. نزدیک به ۴۰۰۰ کارگر همچنان بلا تکلیف‌اند، هیچگونه ضمانت شغلی ندارند و در لبه پرتگاه اخراج و بیکاری‌اند.

تجربه اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، به روشنی نشان می‌دهد که، اعتصاب مجزا و جدا افتاده در یک بخش، برای عقب راندن کارفرما و دولت کافی نیست و می‌تواند با مقاومت و بی اعتنائی کارفرما و دولت روبرو شود. بنابراین این کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه باید دست به اقدامات دیگری بزنند و در فکر راه‌هایی باشند که اعتصاب آنها، از حالت یک اعتصاب مجزا و تک افتاده به درآید.

هفت تپه، نیازمند حمایت‌های عملی و پیوستن سایر کارگران به اعتصاب است. هفت‌تپه نیازمند گشوده شدن جبهه جدیدی

در خوزستان و سایر استانهای کشور است. کارگران هفتتپه هم زنجیران خود را مخاطب قرار داده و آنها را به یاری طلبیده اند. اکنون نوبت مخاطبین است که به این صدا، روشن تر و محکم تر پاسخ دهند. مشکل کارگران هفتتپه، مشکل تمام کارگران است. اکثر کارگران خوزستان بویژه کارگران کشت و صنعت ها، شرایطی مشابه کارگران هفتتپه دارند. ۲۵ هزار کارگر کشت و صنعت های کارون و خوزستان که بیش از پنج ماه است حقوق نگرفته اند، باید فعالانه به حمایت از رفقای خود در کشت و صنعت هفتتپه برخیزند و با خواباندن کارها، اعتصاب را به دیگر بخشها تسری دهند. کارگران آگاه و پیشرو کشت و صنعت هفتتپه، باید به تلاش های خود برای جلب حمایت های عملی کارگران شرکت نفت ادامه داده و آن را گسترش دهند. باید به هر طریقی که شده و فرضاً از طریق ایجاد کمیته ها و گروه های ویژه، دامنه ارتباط گیری با سایر کارگران و جلب حمایت آنها، بویژه کارگران صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، آب و برق، مخابرات، راه آهن و امثال آن و همچنین ارتباط گیری با عموم توده های زحمتکش مردم به قصد جلب حمایت آنها را گسترش داد.

اعتصاب منفرد و تک افتاده در شرکت کشت و صنعت هفتتپه، با مقاومت و بی اعتنائی دولت روبرو شده است. البته اگر بحث از اعتصاب در یک بخش استراتژیک مثلاً نفت در میان می بود، نتایج آن می توانست تا حدودی متفاوت باشد. چرا که با توقف تولید نفت، شاهرگ حیاتی رژیم نیز مسدود می شود. از اینرو رژیم نمی تواند در برابر اعتصاب و مطالبات کارگران این بخش بی تفاوت بماند. اما در مورد کارخانه های تولید قند و شکر از جمله کارخانه نیشکر هفتتپه، اینطور نیست. اعتصاب مجزا و تک افتاده در یک واحد تولید شکر، معضل جدی برای رژیم ایجاد نمی کند. دولت در حمایت از تجار و واردکنندگان شکر، عوارض گمرکی را برمی دارد و یا کاهش می دهد و آنها نیز به هر میزان که بخواهند، شکر وارد می کنند. اگر مصرف داخلی شکر در یک سال، یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن است و فرضاً یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن در داخل تولید می شود و به ۶۰۰ هزار تن شکر وارداتی نیاز است، مشاهده می کنیم که یک قلم دومیلیون و ۵۰۰ هزار تن شکر وارد می شود. روشن است وقتی که بازار از شکر اشباع است، اعتصاب و خواباندن تولید شکر در یک کارخانه نیز، دولت را به دردمس نمی اندازد.

بنابراین کارگران کشت و صنعت هفتتپه، اضافه بر تلاش و فعالیت برای ارتباط گیری و کسب حمایت مؤثرتر سایر کارگران، باید اشکال جدیدتری از مبارزه را برای تحقق مطالبات و پیشرفت مبارزات خود پیدا کنند. کارگران شرکت نیشکر هفتتپه، بارها تأکید کرده اند که خود، توانائی راه اندازی کارخانه و ادامه تولید را دارند. کارگران نیشکر هفتتپه، باید این توانائی را به مرحله اجرا بگذارند. باید درهای کارخانه را باز کنند، از تعطیلی کارخانه جلوگیری نمایند، تولید را از سر گیرند و خود کنترل کارخانه و تولید را بدست گیرند. با ایجاد گروه ها و کمیته های ویژه ای از کارگران بخش کشاورزی، امور مربوط به کاشت و برداشت محصول را تحت کنترل خود درآوردند و اکیداً از فروش زمینهای زراعی و کاهش سطح زیر کشت نیشکر جلوگیری بعمل آورند.

کارگران می توانند از محل فروش تولیدات کارخانه نیشکر و صنایع جانبی آن به سایر کارگران و مردمی که به حمایت از کارگران هفتتپه برخاسته اند، دستمزدها و از جمله دستمزدهای عقب افتاده خود را تأمین کنند.

مستقل از هر گونه نتایجی که از راه اندازی کارخانه و کنترل تولید توسط کارگران حاصل شود، اما یک نکته مسلم است و آن اینست که وضع، از این که هست بدتر نخواهد شد. کارگران هفتتپه وارد فاز جدیدتری از مبارزه می شوند و مسائل جدیدتری را تجربه خواهند کرد. اگر بخواهیم جنبش اعتراضی کارگران هفتتپه در مرحله کنونی مبارزه متوقف

نشود، اگر بخواهیم جنبش اعتصابی کارگران هفت‌تپه که امروز به قلب تپنده جنبش کارگری تبدیل شده است، با پیشرفتهای جدیدی همراه شود، باید روشهای جدیدی را که متضمن این پیشروی است بکار بندیم. راه‌اندازی کارخانه و کنترل تولید توسط کارگران، مراقبت، نظارت و کنترل کاشت و برداشت نیشکر که گردش کلیه بخش‌های کشت و صنعت به آن وابسته است، کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه را وارد مرحله جدیدی از مبارزه و رویارویی با کارفرما و حامیان آن خواهد ساخت.

در هر حال این را همه ما باید بدانیم که موفقیت کارگران هفت‌تپه، در گرو اتحاد مبارزاتی، حمایت‌های عملی سایر بخش‌های طبقه کارگر و سراسری شدن اعتصاب و مبارزه کارگری است.

بگذار اندیشه سلب مالکیت از سرمایه‌داران، مصادره کارخانه‌ها و راه‌اندازی تولید توسط خود کارگران بیش از پیش به عنوان یک ضرورت و خواست اصلی کارگری جای خود را باز کند. بگذار بیکاره بودن و زائد بودن سرمایه‌دار، در اقدام و عمل مستقیم کارگران مادیت پیدا کند!

سازمان فدائیان (اقلیت)

نیمه دوم خرداد ۸۷

زیر نویس‌ها:

۱- طرح توسعه نیشکر، شامل هفت کشت و صنعت می‌باشد. این کشت و صنعت‌ها عبارتند از کشت و صنعت "دعبل خزائی" واقع در ۳۰ کیلومتری جاده اهواز-آبادان. "سلمان فارسی" واقع در ۳۵ کیلومتری همین جاده. "امیر کبیر" واقع در ۳۵ کیلومتری جاده اهواز - خرم‌شهر. "حکیم فارابی" و "میرزا کوچک‌خان" واقع در ۴۰ کیلومتری همین جاده. "دهخدا" واقع در ۳۰ کیلومتری جاده اهواز- دغاقله. "خمینی" واقع در ۳۰ کیلومتری جاده شوشتر-اهواز.

هر یک از این کشت و صنعت‌ها شامل حدود ۱۰۰۰ کارگر قراردادی و ۵۰۰ کارگر در قالب شرکت‌های تابعه پیمانکاری می‌باشد.

۲- شرکت‌های زیر مجموعه "شرکت مادر تخصصی تولید محصولات کشاورزی، دامی و صنایع طبیعی" عبارتند از: ۱- کشت و صنعت و دامپروری مغان ۲- شرکت کشاورزی و دامپروری سفید رود ۳- کشت و صنعت شهید بهشتی ۴- کشت و صنعت شهید رجائی ۵- کشت و صنعت جیرفت ۶- کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه ۷- مجتمع صنعتی گوشت فارس ۸- شرکت بهره‌برداری و صنایع چوب فریم ۹- نکا چوب ۱۰- شرکت جنگل شفا رود ۱۱- شرکت پرورش کرم‌ابریشم ایران.